

بررسی تاریخ انقلاب اکتبر ، ساختمان سوسیالیسم در شوروی آنطور که بوده
و نه آنطوری که امپریالیست ها جعل و تحریف کرده اند

(6)

توطئه بزرگ

مایکل سیرز- آلبرت کان

کتاب دوم : اسرار نوار قرنطینه

برگردان : ماکان

از انتشارات حزب کار ایران (توفان)

بخش دهم

4 - پایان کار سیدنی ریلی

اندکی پس از ورود به ایالات متحده ، سیدنی ریلی به همکاری نزدیکی با ماموران دستگاه ضد سامی و ضد شوروی فورد پرداخت و با دستگیری آنان " فهرستی کامل از نام افرادی که در آمریکا بطور مخفیانه ، برای آرمان بلشویکی فعالیت می کردند " تهیه نمود . (1)
در نتیجه کوشش های ریلی ، تماسهایی مابین جنبش های ضد یهود و ضد دموکراتیک در ایالات متحده از یک سو و شاخه های سازمان بین المللی ضد بلشویک در اروپا و آسیا ، از سوی دیگر ، برقرار گردید . باین ترتیب تا قبل از بهار سال 1925 ، چهار چوب لازم برای ایجاد یک مرکز جاسوسی و تبلیغاتی فاشیستی در لباس " آنتی بلشویسم " فراهم شده بود ... علاوه بر این ، ریلی تماس نزدیک خود را با مامورانش در اروپا حفظ نمود . همه روزه نامه هایی از روال ، هلسینکی ، رم ، برلین و سایر مراکز دسیسه ضد شوروی بدست وی می رسید . بسیاری از این نامه ها که به آدرس دفتر وی در برودوی فرستاده می شد با حروف رمز ویا مرکب نامرئی بر پشت نامه های عادی تجارتی نوشته می شدند .

هرگونه تغییر و تحول در جنبش ضد شوروی در اروپا بطرزی موشکافانه درین مکاتبات منعکس می گشت . سقوط ساوینکف ، موقتاً تضعیف روحیه بخش بزرگی از این جنبش را بهمراه آورد . گاردهای سبز بشکل دسته های کوچک نامرتب از تروریستها و راهزنان حرفه ای درآمده بودند . حسادت ها و سوء ظن های متقابل نیز نقش خود را در پراکندگی تشکیلاتی گروه های ضد شوروی بجای می گذاشت . بنظر می رسید که ضد انقلاب عظیم می بایستی برای مدتی بتعویق انداخته شود . خانم ریلی می نویسد :

" سیدنی بدرستی می دید که ضد انقلاب بایستی در روسیه آغاز شود و اینکه فعالیت وی در خارج تنها به یک دشمنی خارجی غیر فعال نسبت به شوروی می انجامد . چندین بار از جاتب سازمانهای مسکو به وی نزدیک شدند ، همان گونه که در بکف در لندن نزد وی آمده بودند ، معهذاً وی با احتیاط کامل حرکت می کرد ... "

در اوایل بهار آن سال ، ریلی نامه ای با مهر پستی روال ، استونی دریافت کرد که وی را شدیداً به هیجان آورد . نامه که به رمز نوشته شده بود از دوست قدیمی او فرمانده " ای . " بود که بهنگام جنگ جهانی ، همراه وی ، در اینتلیجنت سرویس انگلیس خدمت کرده و اکنون به سرویس کنسولی انگلیس در یکی از ایالات بالتیک وابسته شده بود . نامه که به تاریخ 24 ژانویه 1925 نوشته شده بود ، باین صورت آغاز می شد :

" سیدنی عزیز :

در پاریس زن وشوهری بنام کراشتوشتف از جانب من به ملاقاتت خواهند آمد و بتو خواهند گفت که حامل پیامی از کالیفرنیا هستند و یاد داشتی حاوی یک بیت شعر از عمر خیام ، که بیاد خواهی داشت ، بتو ارائه خواهند کرد . چنانچه مایلی بیشتر در جریان کار آنان قرار بگیری ،

ازشان بخواه پیش تو بمانند ولی چنانچه جریان مطلوب نظرت نباشد خواهی گفت " خیلی متشکرم، خدا حافظ " . "

منظور از کراشتوشتف ، در رمزی که بوسیله فرمانده " ای . " ریلی استفاده می شد ، ماموری ضد شوروی بنام شولتز و همسرش بود ، " کالیفرینا " بمعنی اتحاد شوروی و " بیت شعر از عمر خیام " بمفهوم پیامی ویژه بصورت رمز بود . نامه فرمانده ای باین صورت ادامه می یافت :

" اما در مورد مشغله این افراد . آنان نمایندگان تراستی هستند که بلاشک در آینده تاثیر عظیمی بر بازارهای اروپایی و آمریکایی خواهند داشت . آنان رونق کسب و کارشان در دو سال آینده را بطور کامل تضمین نمی کنند ولی امکان این هست که شرایطی برقرار شود که در آینده ای نزدیک ، نیروی محرکه مطلوب برای آنان ایجاد شود . فعالیت مربوطه معیاری وسیع دارد و صحبت بسیار در مورد آن بی مورد است ... "

فرمانده " ای . " اضافه می کرد که یک " گرو آلمانی " به مشارکت در این " معامله " بسیار علاقمند است و اینکه یک " گرو فرانسوی " و یک " گرو انگلیسی " نیز بطور فعال در این معامله درگیرند .

سپس با اشاره دیگری به " تراست " مربوطه ، که بگفته او در روسیه فعالیت داشت ، ادامه می داد که :

" در حال حاضر از افشای نام مردی که در راس این تراست قرار دارد خود داری می شود ، تنها این را می توانم بگویم که برخی از شخصیت‌های اصلی ، اعضای گروه های اپوزیسیون می باشند . در نتیجه خودت کاملاً به ضرورت مخفی کاری پی میبری ... من این طرح را برای جایگزینی طرح های قبلی که بشکل مصیبت باری با شکست روبرو شدند ، ارائه می دهم . "

در روز 16 اوت 1926 ، سیدنی ریلی و همسرش نیویورک را ترک کرده و ماه بعد به پاریس رسیدند . ریلی بلافاصله برای تماس با شولتز- مردی که فرمانده " ای . " در باره اش نوشته بود- اقدام نمود . آنان بطور خلاصه وضعیت داخلی روسیه را ، از زمان مرگ لنین ، با وی در میان گذاشتند . جنبش اپوزیسیون منسوب به لف ترتسکی بصورت دستگاه زیر زمینی گسترده ای که نظر سرنگونی رژیم استالین را داشت استحاله یافته بود .

ریلی بزودی به اهمیت تحولات جدید پی برده و مشتاق تماس با رهبران این فراکسیون ضد استالین گردید . پیامهایی از طریق ماموران مخفی رد و بدل گردید و سرانجام قرار براین شد که او یکی از نمایندگان مهم این جنبش را در شوروی ملاقات نماید . ریلی بقصد ملاقات رئیس ستاد ارتش فنلاند که یکی از دوستان صمیمی وی و عضو اتحادیه ضد بلشویک بود به هلسینکی رهسپار شد . شخص اخیر موظف بود ترتیبات لازم را برای عبور ریلی از مرز شوروی ، بدهد . اندکی بعد ، ریلی به همسرش که در پاریس مانده بود چنین نوشت :

" حقیقتاً جریانی کاملاً نوین ، نیرومند و با ارزش در روسیه براه افتاد است . "

یک هفته بعد ، در 25 سپتامبر 1925 ، در یادداشتی شتابزده ، که از ویبورگ فنلاند برای همسرش فرستاد چنین نوشت :

" مطلقاً ضروری است که برای سه روز به پتروگراد و مسکو رهسپار شوم . همین امشب حرکت می کنم و روز سه شنبه صبح باینجا باز خواهم گشت . می خواهم بدانی که چنانچه این سفر اهمیتی حیاتی در بر نداشت و در ضمن به بی خطری آن اطمینان نداشتیم ، به آن اقدام نمی کردم . این نامه را بخاطر آن موقعیت هر چند نا محتملی می نویسم که در آن پیشامدی ناگوار برای من رخ دهد . چنانچه این امر اتفاق افتاد به هیچ گونه اقدامی دست نزن ، هر چند که اقدام مربوطه ممکن است کمک کوچکی بمن باشد ولی می تواند در عین حال زنگ خطری برای بلشی ها (شکل تحقیر آمیز کلمه بلشویک . م) بوده و اشکالی در امر اختفای هویت من ایجاد نماید . چنانچه بر حسب

تصادف در روسیه دستگیر شوم ، این تنها بر اساس اتهامی کوچک و بی اهمیت خواهد بود و دوستان جدید آنقدر صاحب نفوذ هستند که آزادی مرا تأمین کنند .
این آخرین نامه ای بود که توسط کاپیتن سیدنی ریلی مامور اینتلیجنت سرویس انگلیس نوشته می شد

پس از گذشت چندین هفته ، خانم ریلی که هنوز کوچکترین نامه ای از شوهرش دریافت نکرده بود ، با ماری شولتز همدست ریلی در پاریس تماس گرفت . او بعدها این مذاکره خود را در خاطراتش آورد :

" هنگامی که شوهر شما باینجا آمد ، وضعیت دقیق اوضاع را ، تا آنجا که به سازمان ما مربوط می شد ، برایش شرح دادم . ما برخی از مقامات عمده بلشویکی در مسکو را در کنار خود داریم . این مقامات شور سرنگونی رژیم کنونی را در سر دارند ، در صورتی که سلامتی خود آنان مورد تهدید قرار نگیرد . "

خانم شولتز در ادامه گفت :

" کاپیتن ریلی در ابتدا در مورد این مسئله حالتی مظنون داشته و اظهار داشت که کمک خارجی در راه یک حادثه آفرینی جدید بر علیه روسیه شوروی تنها در صورتی امکان پذیر است که گروه های توطئه گر داخل کشور از قدرتی واقعی برخوردار باشند . من بوی اطمینان دادم که سازمان ما در روسیه نیرومند ، صاحب نفوذ و از بافتی محکم برخوردار است . "

خانم شولتز سپس در مورد اینکه چگونه ملاقاتی بین ریلی و نمایندگان دستگاه توطئه روسی در ویبورگ فنلاند ترتیب داده شد ، صحبت نمود :

" کاپیتن از شناخت این افراد بسیار خوشنود شد ، خصوصاً در مورد رهبرشان (ترتسکی) ، مقامی بسیار عالی رتبه که در زیر پوشش مقام رسمی اش یکی از پر کین ترین دشمنان رژیم کنونی بشمار می رود . "

روز بعد ریلی و توطئه گران روسی همراه محافظان فنلاندی که برای این وظیفه ارسال شده بودند ، بسوی مرز شوروی رهسپار شدند . خانم شولتز نقل کرد :

" من بسهم خود تا سر مرز مشایعتشان کردم تا برایشان آرزوی موفقیت نمایم . آنها تا رسیدن شامگاه درون یک سنگر بتنی فنلاندی ، در کنار رودخانه ای در انتظار ماندند . برای مدتی طولانی در انتظار ایستادیم . فنلاندی ها با نگرانی به صدای مرزبانان سرخ گوش می دادند ، همه چیز اما آرام بنظر می رسید . سرانجام یکی از فنلاندی ها با احتیاط بداخل آب وارد شد و با حالت نیمه شناور ، عرض رودخانه را پیمود . شوهر شما نیز وی را دنبال کرد ... "

این آخرین باری بود که شولتز کاپیتن ریلی را می دید . خانم شولتز در پایان سخنانش ، بریده ای از روزنامه ایزوستیا را به خانم ریلی داد . مضمون آن چنین بود :

در شب 29- 28 سپتامبر ، چهار قاچاقچی قصد عبور از مرز فنلاند را داشتند که در نتیجه دو نفرشان کشته شده ، یکی از آنان که سربازی فنلاندی است دستگیر و زندانی و نفر چهارم که جراحتش عمیق بود ، بعداً درگذشت

جزئیات امر ، آنگونه که بعدها منتشر گردید باین صورت بود : ریلی موفق میشود از مرز شوروی گذشته و با برخی از اعضای اپوزیسیون ضد استالینی ملاقات و گفتگو نماید . بهنگام بازگشت در حوالی مرز فنلاند ، او و گارد محافظش ناگهان با یک واحد از نگهبانان مرزی شوروی برخورد می کند . ریلی و سایرین سعی به فرار می کنند و در نتیجه مرزبانان آنان را به گلوله می بندند . گلوله ای به پیشانی ریلی می خورد و او را در جا به قتل می رساند .

چندین روز می گذرد تا این که سرانجام مقامات شوروی به هویت " قاچاقچی " معدوم پی می برند . پس از این شناسایی ، مرگ کاپیتن سیدنی جرج ریلی از اینتلیجنت سرویس انگلیس بطور رسمی اعلام می گردد .

روزنامه تایمز لندن یاد بودی دو خطی را باین مضمون انتشار می دهد :

" در روز 28 سپتامبر ، سیدنی جرج ریلی توسط واحدهای گ . پ . او ، در روستای آلکول روسیه بقتل رسید . "

* * * * *

توضیحات :

1 - این لیست در واقع نام هر آمریکایی سرشناسی که کوچکترین نکته مثبتی در مورد روسیه شوروی گفته بود را در بر می گرفت و همین باعث گردید که در سالهای بعد الگوی مطلوبی برای فاشیستهای آمریکایی و عمال نازی گردد . مبلغ ضد یهود الیزابت دیلینگ در تدوین کتاب " شبکه سرخ " خود از این فهرست سود بسیار برد . جرج سیلوستروبرک ، کلنل امرسون ، اسکار پفاوس و سایر عمال نازی و ستون پنجم آنان در آمریکا نیز از این داده ها در کارهای تبلیغاتی خویش استفاده نمودند .

.....

منابع بخش دهم :

فاکتهای مربوط به عملیات ضد شوروی کاپیتن سیدنی ریلی و آخرین ماموریت سری او در روسیه شوروی از کتاب " جاسوس بزرگ بریتانیا ، سخنان ریلی بقلم خود وی و باهتمام همسرش " استخراج شده است . مطالب در مورد فعالیتهاى ضد سامی و ضد دمکراتیک هنری فورد در اولین سالهای دهه 1920 بطور عمده از سری مقالات هیجان آور نورمن هاپ گود تحت عنوان " عمق ماجرای جنون ضد یهودی هنری فورد " که در شماره های ژوئن تا نوامبر هرترز اینترناشونال سال 1922 چاپ شده ، گرفته شده است . آرشیوهای مجله هنری فورد ، " دیر پورن ایندی پندنت " از تبلیغات ضد سامی و ضد دموکراتیک سرشار است . شرح دسیسه هایی که بوریس براسول در اوائل سالهای 1920 در آن ها دست داشت نیز در مقالات نورمن هپ گرد آمده است . توصیف چگونگی پخش تبلیغاتی که توسط بوریس براسول در ایالات متحده صورت می گرفته بطوری مبسوط در کتابهای خود وی چون " دنیا بر سر چند راهی " چاپ ماینارد & کمپانی ، سامال ، بوستون ، 1921 ، درج شده است . گزارش جالبی از مبدأ و سرگذشت " پروتکل های ریش سفیدان صهیون " که توسط براسول در آمریکا توزیع گردید در کتاب کنراد هیدن " رهبر " چاپ لکسینگتون پرس ، نیویورک 1944 ، آورده شده است .

.....

جمعبندی از این بخش :

دو نکته قابل تعمق است .

اول اینکه تذکری باشد برای هواداران ترسکیست ها ، شبه ترسکیست ها ، تمامی ضد استالینیست ها (بخوانید ضد لنینیست ها) و همچنین ضد استالینیست های خجول که می پندارند این تبر استالین بود که بر فرق ترسکی فرود آمد و تحت تاثیر تبلیغات ماشین دروغپردازی امپریالیستها ، عامدانه و یا غیر عامدانه از کشتار بلشویکها برهبری استالین و اشتباهات استالین سخن می رانند . در حالی که طبق اسناد تاریخی ملاحظه می گردد ، این اعمال خائنانه ترسکی (که خود در سمت یکی از مقامات بلند پایه حکومت شوراها قرار داشت) علیه نخستین دولت سوسیالیستی در همکاری با شرورترین دشمنان آن (گاردهای سفید)- در همکاری با دول امپریالیستی و حتی در همکاری با فاشیست ترین جناح انحصارات امپریالیستی ، آن عامل اساسی بود که توسط تیر یکی از فدائیان خویش (بعداز آگاهی از خیانت رهبرش به سوسیالیسم) بر فرق او (ترسکی) نشست و نقطه پایانی بر این خیانت تاریخی گذاشت . کتاب سوم " توطئه بزرگ " تماماً اختصاص به خیانت آشکار ترسکیستها در همکاری با قدرترین دشمنان قسم

خورده سوسیالیسم و سرشار از اسناد این خیانت تاریخی است که بزودی در اختیار جویندگان حقیقت قرار خواهد گرفت .

دوم اینکه یهودی ستیزی (ضد یهود) را نباید با ضد صهیونیسم بودن یکی دانست . امری را که امپریالیستها و ایادی ایرانی آشکار و نهان آنها چون سلطنت طلبان- حککا و ... در صدند آن دو را همتراز هم نشان دهند . یعنی ضد صهیونیسم بودن را برابر با ضد یهود بودن در اذهان عمومی القاء کنند . تفاوت این دو مقوله از زمین تا آسمان است .

یهودی ستیزی بمتابه شبکه عظیم تروریستی توسط تراست ها ، کارتل ها و انحصارات عظیم امپریالیستی با بودجه هنگفت صدها میلیون دلاری علیه سوسیالیسم از آغاز انقلاب اکتبر سرخ ، بطور مشخص تحت رهبری تراست غول پیکر آمریکائی فورد علیه بلشویسم که آنرا بزرگترین خطر می دانستند بکار گرفته شد . و سرانجام بصورت هیولای فاشیسم هیتلری در تجاوز به شوروی سوسیالیستی دنیا را بخاک و خون کشید . فراموش نباید کرد که پرورش دهندگان اصلی ایدئولوژی نژاد پرستانه فاشیسم هیتلری ، امپریالیستها و در راس آن امپریالیسم آمریکا بودند . امپریالیستها بودند که بعداز شکست آلمان در جنگ اول جهانی ، با کمکهای مالی- اقتصادی و سیاسی بی دریغشان نهایت کوشش را در بوجود آوردن این هیولای جهانخوار بکار بردند .

امپریالیستها و بویژه امپریالیسم آمریکا که خود را در مرحله ای از مبارزه ی شدید طبقاتی میان بورژوازی و پرولتاریای تجلی یافته در پیکر نخستین دولت سوسیالیستی شوروی نا توان دیدند ، بمنظور درهم شکستن آن ، فاشیسم را چون عظیم ترین پدیده فوق ضد انسانی بر بشریت تحمیل گرداندند . صدها میلیون دلار جهت بازسازی و نو سازی ارتش مدرن فاشیستی هیتلر- جهت برپایی صدها کوره های آدم سوزی و بازداشتگاههای بدتر از اسارتگاه بردگان ، بازداشتگاه هایی که بقول ژان لافیت کمتر کسی می توانست بیش از شش ماه در آن دوام آورد خرج نمودند . و سرانجام بعداز سرکوب خونین تمامی نهادهای دموکراتیک ، با سوزاندن 6 میلیون یهودی همراه با نیروی های

آزادخواه و کمونیست در اطاق های گاز و کوره های آدم سوزی ، آخرین یورش خود را جهت درهم شکستن اولین دژ پرولتاریا آغاز کردند . حاصل کار این دول " متمدن " در پرورش این آدم خوار قرن ، قتل عام بیش از 40 میلیون نفر- دهها میلیون مجروح و معلول و نابودی تمامی زیر بنای اقتصادی ، تجاری ، مسکونی و در یک کلام هر آنچه که زحمتکشان شوروی سوسیالیستی در طول 20 سال با چنگ و دندان ساخته بودند ، بود . در واقع عظمت سوسیالیسم انسان نوین ساز لنینی- استالینی که قادر شد دومین قدرت اقتصادی جهان را بعداز دو بار تحویل زمین سوخته مجدداً و هر بار مدرنتر ایجاد کنند ، باید در برتری مناسبات سوسیالیستی دید که امپریالیستها و فاشیستها جهت نابودی آن جهان را بخاک و خون کشیدند . فاشیسم دست پخت آمریکای " متمدن " جهت اجرای مقاصد شوم خویش از هیچ جنایتی دریغ نداشت . از دستجات ضربتی ، قاتلین و عناصر وازده و اوپاش نظیر اس اس ها در آلمان هیتلری و پیراهن سیاهان در ایتالیای موسولینی و پیراهن قهوه ای ها در شوروی سوسیالیستی استفاده کرد . نژاد پرستی و شونیسم عریانترین حربه های اساسی ایدئولوژیک فاشیسم را تشکیل میدهند .

صهیونیسم که تمامی صلح دوستان- آزادخواهان و کمونیستهای راستین ضد آن می باشند ، یک جریان کاملاً ناسیونالیستی متعصب متعلق به بورژوازی انحصاری یهود می باشد . که در اواخر قرن نوزدهم در اروپا بوجود آمد و اکنون به ایدئولوژی رسمی دولت تجاوزگر- نژاد پرست- فاشیستی مذهبی اسرائیل بدل گشته است . این نام مشتق از صهیون- محلی در نزدیکی شهر اورشلیم است که برای یهودیان نیز بسیار مقدس می باشد .

در سال 1897 جمعیتی تحت نام سازمان جهانی صهیونیسم تشکیل شد که هدف خود را انتقال تمام یهودیان جهان به فلسطین اعلام کرد . این سازمان امپریالیستی اکنون دارای قدرت مالی عظیمی است که می توان آنرا یکی از غول پیکر ترین تراست های سرمایه داری انحصاری در جهان دانست . تراستی که بخش عمده سیاست های جنگ افروزانه دولت امپریالیستی آمریکا را سمت و

سو می دهد. این " سازمان " مرکزش در آمریکا است و فعالیتهای جمعیت‌های صهیونیست را در تمام نقاط جهان کنترل می کند.

بورژوازی یهود سالیان درازی است با تحریک احساسات ناسیونالیستی و تعصب‌های ملی زیر پرچم صهیونیسم با نیروهای مترقی-انقلابی و کمونیست بمبارزه جنایتکارانه‌ای متوسل گشته است و این جریان نژاد پرستانه- تجاوزگرانه- تروریستی و فاشیستی مذهبی را به حربه‌ای در خدمت محافل ارتجاعی و امپریالیستی بدل نموده است.

شالوده صهیونیسم این اندیشه است که باید یک ملت واحد یهود مرکب از یهودیان سراسر جهان، صرف نظر از کشوری که میهن آنهاست، تشکیل گردد. همانطوریکه با اشغال سرزمین فلسطین- با قتل عام و مجروح و معلول نمودن دهها هزار تن از انسانهای بی گناه- آواره نمودن میلیونها تن بدنبال اهداف شومش میباشد. این اندیشه از نظر سیاسی بغایت ارتجاعی و ضد بشری و حربه نفاق افکنی است. و از نظر علمی نیز بغایت بی پایه و بدور از هر منطق عقلانی می باشد.

صهیونیسم قوم یهود را دارای وضع استثنائی در جهان میداند که بعنوان قوم برگزیده ی خدا دارای رسالتی ویژه است. صهیونیسم در درجه ی اول با منافع پرتلاریای یهود در تناقض کامل قرار دارد. صهیونیسم سالیان متمادی کوشش اصلی خود را متوجه ایجاد نفاق و تضاد بین یهودیان هر کشور و خلقی که در میان آنها میزیستند کرده و در تحریک دشمنی و کینه بین یهودیان و سایر خلقها از نهایت جنایتکاری دریغ نمی ورزد.

از این نظر بین صهیونیسم و آنتی سمیتیسم که نقطه ی مقابل اولیست تفاوتی نمی باشد. هر دو، صهیونیسم و آنتی سمیتیسم (ضد یهود) جریانی بغایت ارتجاعی، نژاد پرستانه، ناسیونالیستی کور و دشمن اتحاد زحمتکشان است و مارکسیسم لنینیسم با تمام قدرت هر دو را مردود و بغایت جریانی ضد انسانی می داند.

صهیونیسم اینک دیگر تنها یک ایدئولوژی نیست، بلکه همچنین سیستم ارتباطات پرشاخه و موسسات بی شماری نیز هست. صهیونیسم مجموعه ی نظریات، سازمانها، سیاستها و روشهای سیاسی و اقتصادی بورژوازی بزرگ یهود را که با محافل سرمایه داری انحصاری امپریالیسم آمریکا و سایر دول امپریالیستی پیوند ارگانیک خورده اند تشکیل میدهد. در یک کلام محتوی اساسی صهیونیسم؛ شوینیسم جنگ طلبانه و ضد کمونیسم است. همانگونه که محتوی اساسی ضد یهود بودن در محافل امپریالیستی و بویژه آمریکا را در آستانه جنگ اول جهانی مبارزه علیه بلشویسم تشکیل میداد.

صهیونیسم تمام هم خود را بکار میگیرد که در کشورهای مختلف جهان، کارگران و زحمتکشان یهود را در محیط کار و زندگی و فعالیت خود از بقیه ی کارگران و زحمتکشان جدا نماید و مانع شرکت آنها در نهضت کارگری و دمکراتیک گردد. صهیونیسم با اشاعه ی نظریه ی بغایت ارتجاعی و غیر طبقاتی " وحدت منافع ملی یهودیان "، تضاد بین کارگر و سرمایه دار بین استثمارکننده و استثمار شونده ی یهود را نفی می کند و در حقیقت منافع حیاتی زحمتکشان یهود را در پای منافع بورژوازی انحصاری قربانی میکند.

امپریالیسم جهانی و در راس آن امپریالیسم آمریکا از صهیونیسم بمثابه دست دراز شده و ژاندارم منطقه خاور میانه جهت تسلط بر منابع طبیعی (نفت و گاز) در راستای هژمونی بر جهان استفاده کرده و می کند. لشکر کشی صهیونیستهای اسرانیلی به فلسطین- لبنان و انجام دد منشانه ترین اعمال تروریستی در عراق و دیگر نقاط جهان را باید دقیقاً در این راستا ارزیابی و تحلیل نمود.

یهودی ستیزی همانند صهیونیسم تنها بسود طبقات استثمارگر و نیروهای ارتجاعی بکار گرفته می شود. همانگونه که احمدی نژاد با توسل به حربه یهودی ستیزی با نفی بزرگترین قتل عام تاریخ بشری، بدنبال نفی مبارزه ی طبقاتی و بمثابه مانع اتحاد زحمتکشان عمل می کند.

حال با توجه به تعاریف فوق الذکر از صهیونیسم ، آیا انکار و در حقیقت نفی آن که به بهانه های واهی (چون این واژه از طرف رژیم اسلامی ایران بکار می رود) از طرف جریانات مختلف انجام میپذیرد در راستای دفاع از منافع محافل صهیونیستی- امپریالیستی نیست ؟ بطور نمونه نفی واژه صهیونیسم از دولت نژاد پرست- تجاوزگر و فاشیستی مذهبی اسرائیل توسط جریان بی هویت و بی مایه حککا که جنگ افروز ترین- جنایتکار ترین- ضد انسانی ترین- نژاد پرست ترین- تروریست ترین و فاشیستی مذهبی ترین رژیم موجود در جهان را " دموکراتیک " ، " مترقی " ، " متمدن " می داند چه چیزی جز دفاع از منافع این دولت درنده و وحشی می توان بر آن نهاد . همچنین عدم دفاع شفاف از مبارزات آزادیبخش مردم فلسطین و لبنان به بهانه رهبری جریانات مذهبی چون حماس و حزب الله از طرف احزاب ، سازمانها ، گروهها و افراد ، چه چیزی جز تاثیر پذیری از ویروس خطرناک(نفی واژه صهیونیسم) حککا می تواند معنی داشته باشد .

بهمن ادیب 2006/08/02